

منافع داخلی و منطقه‌ای حملات حوثی‌ها



جerald ام فیرستین
دیپلمات بازنشسته
آمریکایی

از زمان شروع درگیری اسرائیل و حماس در اکتبر، شورشیان حوثی یمن به دنبال راهی بوده‌اند تا توجهات را به خود جلب کنند، مشروعیت خود را در میان ملل عرب بالا ببرند و هم در منطقه و هم در داخل، اعتبار خود را تقویت کنند. در ابتدا مدعی بودند که حملاتشان خود اسرائیل را هدف می‌گیرد اما این تلاش بی‌ثمر بود، چون سلاح‌هایشان به هدف نمی‌خورد. در نتیجه حوثی‌ها تصمیم گرفتند به سراغ کشتی‌هایی که از نزدیک ساحل یمن، از تنگه باب‌المندب و دریای سرخ می‌گذشتند، بروند. این تلاش‌ها، تا حد زیادی ناکام بوده‌اند اما تأثیرگذار، از آنجا که چندین شرکت حمل‌ونقل دریایی تصمیم گرفته‌اند بارهای خود را از دریای سرخ نبرند و از مسیر طولانی‌تر و گران‌تر «دماغه امید نیک» بفرستند. اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، پیامدهای منفی روی اقتصاد جهانی خواهد داشت.

حوثی‌ها در تلاش برای مداخله در درگیری غزه، بر این باورند که اقداماتشان، پایگاه حمایتی داخلی‌شان را تقویت خواهد کرد و هم‌زمان جایگاه جنبش‌شان را در «محور مقاومت» ایران مستحکم‌تر خواهد کرد. در صحنه داخلی، حمایت قوی از حقوق فلسطینیان، مدت‌هاست که برای یمنی‌هاوی غیرقابل تردید است؛ از این رو، حوثی‌ها عملیات در حمایت از فلسطینیان در غزه را عملی می‌بینند که حتی از میان یمنی‌هایی که به طور کلی با موضع داخلی حوثی‌ها هم‌دل نیستند، حمایت دریافت خواهد کرد. این امتیاز برای آن‌ها بزرگتر هم هست، چراکه موضع‌شان در تقابل با موضع «شورای رهبری ریاست جمهوری یمن» است که در باره درگیری غزه عمدتاً ساکت بوده‌اند و در موضع گیری‌هایش، به جای دفاع از آرمان فلسطین، روی تهدید حملات حوثی‌ها در دریای سرخ تمرکز کرده است.

از نگاه حوثی‌ها، در منطقه، این اقدامات جنبش آن‌ها را در جایگاهی برابر با حزب‌الله قرار می‌دهد، در خط مقدم مقاومت در مقابل اسرائیل و ایالات متحده با حمایت از ایران. هنوز معلوم نیست که تهران تا چه حد در حال مدیریت یا تشویق این حملات حوثی‌هاست. مقامات ارشد ایالات متحده، روزیروز صریح‌تر هشدار می‌دهند که در کمترین حالت، ایرانی‌ها در حال ارائه حمایت مادی و اطلاعات تاکتیکی لازم برای حملات هستند، اگر در واقع در حالت هدایت و مدیریت‌شان نباشند. بسیاری از ناظران از جمله در یمن بر این باور بوده‌اند که سرمایه‌گذاری ایران روی حوثی‌ها، به همین خاطر بوده است که از نگاه ایران، حوثی‌ها پتانسیل ممانعت از حمل‌ونقل در دریای سرخ را داشته‌اند و این سرمایه‌های راهبردی، معادل توانایی خود ایران در این باره در تنگه هرمز دیده شده است.

مشخص نیست آیا سرکشی حوثی‌ها در مقابل هشدارهای ایالات متحده، از مودن خطوط قرمز آمریکاست یا تلاش برای تحریکش به واکنشی نظامی فراتر از «عملیات نگهبان شکوفایی». بسیار ممکن است که محاسبه حوثی‌ها چنین بوده باشد: آن‌ها هفت سال بمباران هوایی سعودی را در دوران جنگ داخلی یمن تحمل کرده‌اند، پس بعید است حمله هوایی ایالات متحده آسیب جدی‌تری بزند یا صدمات به تجهیزات و تأسیساتشان را نتوان به سرعت تعمیر یا جایگزین کرد. به علاوه، حمله ایالات متحده (یا دیگران) به حوثی‌ها، از نگاه آن‌ها، این ایده تبلیغاتی‌شان را تأیید خواهد کرد که در حال مبارزه در خط مقدم حمایت از فلسطینیان هستند و عملیات‌شان در تهدید منافع ایالات متحده و متحدانش موفق خواهد بود. از این رو، رهبر این گروه، عبدالملک الحوثی، اواخر دسامبر اعلام کرد، اگر آمریکایی‌ها وسوسه شوند، تنش‌ها را بالاتر ببرند و مرتکب «حماقت» هدف گرفتن کشورشان یا اعلام جنگ علیه‌آنها شوند، حوثی‌ها بی‌کار نخواهند نشست. ایالات متحده، در تقابل فعلی با حوثی‌ها، چند منفعت متقاطع دارد. فراتر از حفاظت از حمل‌ونقل، دولت بایدن به جلوگیری از گسترش جنگ اسرائیل و حماس به فراتر از غزه و خودداری از اقداماتی که امکان پایان دادن به جنگ داخلی یمن را تضعیف می‌کند، اولویت داده است. آمریکا با در نظر گرفتن این منافع، نباید پیروزی تبلیغاتی را که عبدالملک می‌خواهد، به او بدهد و باید همچنان روش‌هایش را در «عملیات نگهبان شکوفایی» که دفاعی و عمدتاً موفق بوده‌اند، ادامه دهد.



گروه بین‌الملل: در طول سه ماه گذشته، بسیاری از کشورها حمایت خود را از مردم فلسطین در مواجهه با حملات نامتناسب ارتش اسرائیل به نوار غزه به طرق مختلف اعلام کرده‌اند. اما در این میان آفریقای جنوبی به‌عنوان کشوری که به لحاظ تاریخی، حساسیت ویژه‌ای به موضوعاتی نظیر آپارتاید و نسل‌کشی دارد، روش متفاوت و البته مؤثری را برگزید. این کشور تیمی از حقوق‌دانان و محققان برجسته را به خدمت گرفت و با دقت همه‌شواهد و مدارکی که می‌توان اسرائیل را به نسل‌کشی در غزه متهم کند، جمع‌آوری کرد و نهایت شکایتی را به دادگاه لاهه تقدیم کرد اما انگیزه آفریقای جنوبی در شکایت از اسرائیل چیست؟

آفریقای جنوبی همچنان تحت رهبری حزب کنگره ملی آفریقا اداره می‌شود؛ حزبی که ماندلا آن را تاسیس کرد. مبارزه با تبعیض نژادی همواره یکی از اصلی‌ترین دستورکارهای این حزب بود. علاوه بر این ماندلا روابط بسیار ویژه و دوستانه‌ای با یاسر عرفات، رئیس جنبش آزادی‌بخش فلسطین داشت و این کشور همواره در طول تاریخ پس از آپارتاید، یکی از اصلی‌ترین مدافعان فلسطین به شمار می‌آمد. نلسون ماندلا، چه در زمانی که قدرت را در دست داشت و چه بعد از آن، همواره در سخنرانی‌هایش از رنج مردم فلسطین سخن می‌گفت و بارها در سخنانش شرایط فلسطینی‌ها را با شرایط سیاهان آفریقای جنوبی در دوران حکومت آپارتاید مقایسه کرده بود.

در جریان رخدادهای ناگوار در نوار غزه نیز در ۳۰ اکتبر ۲۰۲۳، وزارت روابط و همکاری بین‌المللی آفریقای جنوبی بیانه‌ای صادر کرد و از جامعه بین‌المللی خواست، اسرائیل را در قبال نقض قوانین بین‌المللی پاسخگو کند. این بیانه هشدار داد که «جنایت نسل‌کشی متأسفانه بسیار بزرگ است». وزیر روابط و همکاری بین‌المللی آفریقای جنوبی، نالدی پاندر، ضمن سخنرانی در شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۴ اکتبر ۲۰۲۳، به جامعه بین‌المللی یادآوری کرد، «تا زمانی که نسل‌کشی در حال رخ دادن است، بی‌کار نشیند.»

در ۷ نوامبر، وزیر روابط بین‌الملل آفریقای جنوبی در سخنرانی خود در مجمع ملی آفریقای جنوبی هشدار داد: «جنایت نسل‌کشی متأسفانه در وضعیت کنونی غزه بزرگ است» و یادآوری کرد: «در سال ۱۹۹۴، یک نسل‌کشی در قاره آفریقا رخ داد و حالا بار دیگر تمام جهان شاهد قتل عام مردم بیگناه هستند». او تأکید کرد که آفریقای جنوبی نمی‌تواند بی‌تفاوت بماند و اجازه دهد این اتفاق دوباره تکرار شود. در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۳، مدیرکل دیپلماتیک و همکاری‌های بین‌المللی آفریقای جنوبی در اقدام دیپلماتیک رسمی به سفیر اسرائیل در آفریقای جنوبی خبر داد در حالی که آفریقای جنوبی «حمله حماس به غیرنظامیان را محکوم می‌کند» و معتقد است این اقدام باید «ذیل جنایات جنگی مورد بررسی قرار گیرد»، اما واکنش اسرائیل راینز غیرقانونی می‌داند، و آفریقای جنوبی «از دیوان‌گیری بین‌المللی می‌خواهد که رهبران اسرائیل را برای ارتکاب جنایاتی از جمله نسل‌کشی، محاکمه کند». در ۱۳ نوامبر ۲۰۲۳، در نشست در اقامتگاه ریاست جمهوری آفریقای جنوبی به رهبری هیئت نمایندگان یهودیان آفریقای جنوبی، سیریل رامافوسا «نسل‌کشی را که علیه مردم فلسطین از جمله زنان و کودکان از طریق مجازات دسته‌جمعی و بمباران مداوم غزه اعمال می‌شود، محکوم کرد». در ۱۷ نوامبر ۲۰۲۳، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی در جریان یک سفر رسمی به قطر، اعلام کرد، آفریقای جنوبی وضعیت فلسطین را به دادگاه کیفری بین‌المللی ارجاع می‌دهد و انزجار خود را از آنچه در حال حاضر اتفاق می‌افتد، ابراز می‌کند. او تأکید کرد، در غزه که اکنون به اردوگاه تبدیل شده است، نسل‌کشی در حال وقوع است. در همان روز، سفارت آفریقای جنوبی در لاهه، به نمایندگی از آفریقای جنوبی، به‌طور مشترک با سه کشور دیگر عضو کنوانسیون نسل‌کشی - یعنی بنگلادش، بولیوی و کومور - وضعیت فلسطین را در گزارشی به دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داده و از دادستان در خواست کردند تا جنایات مربوط به حوزه قضایی دیوان را، از جمله جنایت نسل‌کشی، طبق ماده ۶ (الف)، (ب) و (ج) یادداشت بررسی کند.

در ۲۱ نوامبر ۲۰۲۳، رهبران کشورهای عضو بریکس در مورد وضعیت خاورمیانه، نشست برگزار کردند و در این نشست فوق‌العاده با شرکت برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی، همگی خواستار رسیدگی به موضوع فلسطین به‌عنوان «یک موضوع نگران‌کننده جهانی» شدند. رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی نیز در سخنانی تأکید کرد: «مجرم‌نگه داشتن عمدی از دسترسی به دارو، سوخت، غذا و آب در غزه مساوی با نسل‌کشی است.»

در ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳، سفیر آفریقای جنوبی در سازمان ملل متحد، در دهمین نشست اضطراری مجمع عمومی سازمان ملل متحد - که اسرائیل در آن نماینده داشت - اظهار کرد: «واقع‌شش هفته گذشته در غزه نشان داده است اسرائیل بر خلاف تعهدات خود در خصوص کنوانسیون نسل‌کشی عمل می‌کند.» او تأکید کرد: «به‌عنوان یک کشور عضو سازمان ملل و به دلیل تجربه دردناک آفریقای جنوبی از سیستم آپارتاید، این امر ما را وادار می‌کند که به‌عنوان کشورهای عضو مطابق با قوانین بین‌المللی اقدام کنیم.» در ۲۱ دسامبر ۲۰۲۳، آفریقای جنوبی یک یادداشت شفاهی به سفارت اسرائیل در آفریقای جنوبی ارسال کرد و طی آن آفریقای جنوبی نگرانی‌های خود را در مورد «گزارش‌های موقوت در مورد اقداماتی که مشابه نسل‌کشی یا جنایات مرتبط با آن مطابق با کنوانسیون ۱۹۴۸ است»، ابراز کرد. در این یادداشت آمده است: «به‌عنوان یک کشور عضو کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی، آفریقای جنوبی متعهد به جلوگیری از وقوع نسل‌کشی است و بنابراین از اسرائیل که یکی از کشورهای عضو این کنوانسیون است، می‌خواهیم این کنوانسیون را رعایت کرده و در خصوص توقف فوری خصومت‌ها در غزه و پرهیز از رفتاری که موجب نقض تعهدات خود طبق کنوانسیون می‌شود، اقدام کند.» آفریقای جنوبی که «از لغزایی‌های مقامات اسرائیلی و دیگران نگران

شده بود»، همچنان از اسرائیل خواست تا از تحریک مستقیم و علنی به ارتکاب نسل‌کشی جلوگیری و عاملان را مجازات کند.

بنیان استدلال آفریقای جنوبی

از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، اسرائیل درگیر یک حمله نظامی در مقیاس وسیع از طریق زمین، هوا و دریا به نوار غزه شده است. غزه نوار باریکی به وسعت تقریباً ۳۶۵ کیلومتر مربع و یکی از پرجمعیت‌ترین مکان‌ها بر روی زمین است. باریکه غزه محل زندگی تقریباً ۲/۳ میلیون نفر است که نیمی از آنها کودک هستند. این منطقه توسط اسرائیل در معرض یکی از «سنگین‌ترین بمباران‌های متعارف» در تاریخ جنگ مدرن، قرار گرفته است.

تنها تا ۲۹ اکتبر ۲۰۲۳، تخمین زده شد که ۶ هزار بمب در هفته بر روی این منطقه کوچک فرود آمده است. در کمتر از دو ماه، حملات نظامی اسرائیل «ویرانی بیشتری نسبت به ویران کردن حلب در سوریه بین سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۶، ماریوبل اوکراین، یا درسدن آلمان در جنگ جهانی دوم به بار آورده است.» ویرانی‌هایی که اسرائیل به بار آورده، به حدی شدید است که «غزه اکنون از فضا به گونه‌ای دیگر دیده می‌شود و بافتی متفاوت دارد.» دبیرکل سازمان ملل متحد در نامه‌ای به تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۲۳ به رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد، با استناد به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳ صراحتاً عنوان کرد: «حفاظت از غیرنظامیان و اجرای تعهدات حقوقی و بشردوستانه لازم و ضروری است و غیرنظامیان در سراسر غزه با خطر جدی روبه‌رو هستند.» دبیرکل سازمان ملل در نامه خود در آن زمان نوشت: «براساس گزارش‌ها، از زمان آغاز عملیات نظامی اسرائیل در غزه، بیش از ۱۵ هزار نفر کشته شده‌اند که بیش از ۴۰ درصد آنها کودک بوده‌اند. هزاران نفر دیگر مجروح شده‌اند. بیش از نیمی از خانه‌ها ویران شده است. حدود ۸۰ درصد از جمعیت ۲/۳ میلیون نفری به اجبار به مناطق دیگر آواره شده‌اند. بیش از ۱/۱ میلیون نفر به تاسیسات آژانس پناهندگان سازمان ملل پناه برده‌اند و این ازدحام وضعیتی غیربهداشتی را ایجاد کرده است. باقی ساکنان غزه جایی برای پناه گرفتن ندارند و در خیابان‌ها سرگردان هستند. بقایای مواد منفجره جنگ، اکثر مناطق را غیرقابل سکونت کرده است. هیچ حفاظت

مؤثری از غیرنظامیان وجود ندارد. سیستم مراقبت‌های بهداشتی در غزه در حال فروپاشی است. بیمارستان‌ها به میدان جنگ تبدیل شده‌اند. تنها ۱۴ بیمارستان از ۳۶ مرکز بهداشتی در غزه تا حدی فعال هستند. بیمارستان بزرگ در جنوب غزه با سه برابر ظرفیت بستری کار می‌کنند و با کمبود منابع اولیه و سوخت مواجه هستند. آنها همچنین هزاران آواره را پناه داده‌اند. در این شرایط در روزها و هفته‌های آینده افراد بیشتری بدون برخورداری از درمان مناسب، خواهند مُرد؛ هیچ جایی در غزه امن نیست. در میانه بمباران مداوم نیروهای دفاعی اسرائیل و در حالی که هیچ سرپناه و وسایل ضروری برای زنده ماندن در دسترس مردم غزه نیست، من انتظار دارم که نظم عمومی به‌زودی به دلیل شرایط نامیدکننده کاملاً از بین رفته و حتی ورود کمک‌های بشردوستانه محدود نیز غیرممکن شود. وضعیت بدتر نیز ممکن است رخ دهد: از جمله شیوع بیماری‌های مسری و افزایش فشار اسرائیل بر مردم غزه برای جابه‌جایی دسته‌جمعی به کشورهای همسایه. در حالی که تحویل تدارکات از طریق گذرگاه رفح ادامه دارد اما مقدار کمک‌ها کافی نیست و میزانش کاهش یافته است. ما قادر به دسترسی به نیازمندان در داخل غزه نیستیم... ما با خطر شدید فروپاشی نظام کمک‌های بشردوستانه روبه‌رو هستیم. وضعیت به سرعت در حال بدتر شدن و حرکت به سمت وقوع یک فاجعه پایامدهای بالقوه غیرقابل برگشت برای فلسطینیان به‌عنوان یک ملت و برای صلح و امنیت در منطقه است. به هر قیمتی باید از وقوع چنین نتیجه‌ای اجتناب کرد.»

از زمان نگارش آن نامه، تعداد تلفات فلسطینی‌ها به شدت افزایش یافته است: حداقل ۲۲ هزار فلسطینی در غزه کشته شده‌اند و بیش از ۵۵ هزار و ۲۴۳ فلسطینی دیگر زخمی شده‌اند که بسیاری از آنها حال‌شان وخیم است. تعداد تلفات شامل بیش از ۷ هزار و ۷۲۹ کودک می‌شود، بدون احتساب ۴ هزار و ۷۰۰ زن و کودکی که مفقود شده‌اند و گمان می‌رود در زیر آوار کشته شده باشند. برخی خانواده‌های فلسطینی در چند نسل به‌طور کامل از بین رفته‌اند. بیش از ۲۵۵ هزار خانه معادل بیش از ۶۰ درصد از خانه‌ها در غزه آسیب دیده و ویران شده است. ۱/۹ میلیون فلسطینی - تقریباً ۸۵ درصد از کل جمعیت - در داخل آواره شده‌اند. بسیاری از آنها از شمال غزه به جنوب ریخته‌اند؛ همانطور که اسرائیل به آنها دستور داده بود

شرح جنایات

خلاصه‌ای از استدلال وکلای آفریقای جنوبی در اثبات اتهام نسل‌کشی به اسرائیل

